**تأملی بر نظامِ انتخاباتیِ ایران**

**شباهنگ راد**

وزرای دولتِ «مسعود پزشکیان» با مشورت و تأیید «رهبر»، سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفت! وی آشکارا گفت «با آقا هماهنگ شدیم آمدیم اینجا».

بی‌شک مقالات و سخنرانی‌های بسیار در خصوصِ "انتخابات" ایران نوشته و گفته‌شده که هر یک دارای نگاهِ سیاسیِ به خود است. امّا بی‌نیاز ازآنچه نوشته یا گفته‌شده است، حرف «پزشکیان» دربردارنده گفته‌های روشن از مفهوم دمکراسی و نیز مضمونِ ساختاریِ نظام انتخاباتی در ایران است. منظور اینکه منع‌کننده هرگونه دریافت غیرحقیقی یا کج‌فهمی در محدوده نمایش‌های سیاسی حاکمیت، پیرامون «انتخابات» هست. هرچند مسئله انتخابات در جوامع وابسته و به دنبال در جوامع به‌اصطلاح متمدن سرمایه‌داری، مبنی بر احترام گذاشتن به حقوق مردمی نه‌تنها یک‌جور و شیبِ به هم، بلکه کوچک‌ترین تفاوتِ بُنیادین از هم دیگر ندارند؛ بدین‌جهت که حکومت‌های دنیا از آنِ مردم نیستند و منتخبشان در خدمت به خواسته‌های سیاسی و اقتصادیِ عده اندک هست. بنابِ چنین متدولوژی، حکومت‌های سرمایه‌داری بسته به موقعیتِ دسته‌ها و احزاب متعلق به خود، و به‌قصد کنترل بهتر فضای اعتراضی جامعه، دولت‌ها را دست‌به‌دست می‌کنند که تازه‌ترین آن، چند وقت قبل در انگلستان و آن‌هم زیرپوشش انتخابات اتفاق افتاده است؛ انتخاباتی که «ریشی سوناک» نخست وزیر پیشین انگلیس ابراز خوشحالی کرده است دولت بدون درگیری و تنش دست‌به‌دست شده است؛ یا اینکه «کاملاً هریس» در کمپین انتخاباتی خود تأکید کرده، امیدوار است انتخابات آتی امریکا بدون خشونت و درگیری دست‌به‌دست شود!

به‌هرحال نوشته در پی نشان دادن معنی انتخابات در کشورهای به‌اصطلاح متمدن همچون، انگلستان، امریکا و مانند آن‌ها نیست، بلکه اشاره به جامعه ایران و انتخاب «نخبگان» توسط «رهبر» و ارگان‌های سرکوب همچون سپاه پاسداران، اطلاعات و امنیت حکومت است؛ جامعه‌ای که بمانند دیگر جوامع زیر سلطه از تعینات و مختصاتِ، مختص به روابط اقتصادی و اجتماعی توأم با سرکوبِ عریان و خشن پی ریخته شده است که کمترین نزدیکی در همراهی با دمکراسی و باور به نظر و رأی مردم ندارد. ازاین‌روی نزدیک به نیم‌قرن قلع‌وقمع دهشتناک حکومت جمهوری اسلامی، پدیدار نگاهِ پایه‌گذاران و دنباله‌روان آن [دولت‌ها] در قبال درخواست‌های بدیهیِ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه هست. دولت‌هایی که یکی پس از دیگری به ابعاد بگیر و به بندها و جنایات افزوده‌اند تا جامعه اعتراضی را هراسان از طلبِ نیازهای اساسی‌شان کنند. این‌ها وجه ممیز هر دولت و هر یک از رئیس‌جمهور ایران بود و هست و طبعاً هیچ‌یک از آن‌ها، مخالفتی در انتخاب یا در اجرا برنامه‌های از پیش تعیین‌شده حاکمیت نداشته و ندارند. بطوریقین رئیس‌جمهور تازه «مسعود پزشکیان» هم از همان سنخ، و نیز همان رویکردی را در پیش‌گرفته و خواهد گرفت که تاکنون در برابر بالاترین مقامات دولتی بوده است. وی پیش‌تر و به‌صراحت [قبل از انتصاب]، در گفتگوی خبری پیرامون برنامه دولت هفتم چیست و در چه جایگاهی قرار دارد؟ گفت: «ما قرار نیست که برنامه جدید بنویسیم و قرار نیست که سیاست جدیدی را در کشور اعلام کنیم»، یا اینکه «مثل همه مردم ایران از مشکلات آگاه است و این مشکلات را حل خواهد کرد» و در همان عین اشاره کرد «برای سرمایه‌گذاری باید برای سرمایه‌گذار رضایت و امنیت ایجاد کرد».

امّا بعداً [پس از انتصاب] گفت «منطقی نیست دولت بنزین را با دلار آزاد وارد کند و باقیمت سوبسیدی به مردم بفروشد». رئیس‌جمهوری که جدا از اعلام وفاداری بی‌چون‌وچرا به برنامه چپاول و سیاست‌های دیکته شده حاکمیت، نیز جدا از جلب بیشتر و حمایت سرمایه‌گذار، از همان آغاز، چشم به جیب مردم دوخته تا امنیت و جیب سرمایه‌داران را مطلوب‌تر و پر تر کند. شگفت‌آور است مردم با قبوض سرسام‌آور برق، آب، گاز، کرایه‌خانه و تهیه اقلام اولیه زندگی همچون نان، پنیر، تخم‌مرغ و گوشت رودررو هستند و آن‌وقت رئیس‌جمهور "منتخب" و "آگاه" به مشکلات مردم، به فکر حمله بیشتر به جیب آن‌هاست. «پزشکیان» از همان ابتدا و با صراحت لهجه همه جانیان بشریت نشان داده است که رفتار و کردار وی در پاسخگویی به مشکلات مردم نیست. بی‌جهت نیست که دولت‌مداران مختلف نظام جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه زندگی را برای میلیون‌ها انسان دردمند به مرگ تدریجی تبدیل کرده‌اند تا سرمایه و امنیت سرمایه‌داران بیشتر و امن‌تر شود. فقر بیداد می‌کند، اعتیاد و روی‌آوری جوانان به آن روبه بالا و کارگر فاقد پایین‌ترین امنیت مالی و شغلی است، زنان و دختران به طرق گوناگون موردتعدی و تعرض نهادها و دم‌ودستگاه‌های سرکوب قرار دارند و به تعداد کودکان کار افزوده‌اند تا دوام سرمایه‌داران بیش و بیشتر شود. این‌ها خاصیت نظام‌های سرمایه‌داری و ازجمله نظام جمهوری است و مشخص است که همه آن‌ها فاقد پتانسیلِ لازم به‌منظور تغییر اوضاع نابسامان جامعه به نفع مردم هستند. بی‌پرده اینکه نظام جمهوری اسلامی آمده است تا وسعت حمله به مردم را وسیع‌تر کند و به غارت ثروت‌های جامعه بی افزاید. شواهد، اسناد و دزدی‌های کلان منابع طبیعی همچون گاز و نفت و غیره، علامت سیاست حاکم بر حکومت‌مداران و دولت‌مداران ایران است. این را مردم در کوران زندگی روزمره خود به‌عین دریافته‌اند که از سوی نظام و دولت‌های رنگ‌ووارنگشان سهمی از ثروت‌های طبیعی جامعه نصیبشان نخواهد شد. بی‌خود نیست سرمایه 500 نفر در ایران به‌اندازه ثروت کل جامعه هست.

قطعاً در عرصه عمل، شرایط بسیار آشکارتر و غم‌انگیزتر از ورود به زندگی و سفره ناچیز مردم است. آزار و اذیتِ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوانان، زنان و دختران و دیگر قربانیان نظام توسط دولت «پزشکیان» بدون فترت و قصور در پیش است؛ یعنی برنامه سرکوب و بستن هرگونه منفذ دمکراسی و حمله به درخواست‌های ابتدائی کارگران، زحمت‌کشان، زنان و دختران و دیگر قربانیان نظام در دستور کارش هست؛ بر مبنای چنین رویکرد سیاسی، اقتصادی و نظامی است که ریزش آرا در پائین بسیار زیاد، و جلب رضایت بالا، بسیار شده است. خودِ رسانه‌های تبلیغاتی نظام اعلام کردند بیش از 60 درصد [از 61 میلیون نفر] از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکردند و میدان‌های رأی‌گیری با سوت‌وکور به پایان رسید.

آری، "انتخابات" تازه در ایران در چنین فضا و شرایطی برگزار شد و انتظاری به‌غیراز آنچه اتفاق افتاد، نبود. موضوعی که بالائی‌ها کاملاً از ذهنیت و از رفتار سیاسی جامعه پائینی‌ها مطلع بودند؛ می‌دانستند که تنفر مردم نسبت به حکومت‌مداران و دولت‌مداران غیرقابل‌تصور و در حالت انفجاری است؛ می‌دانستند که جامعه ایران حامل تجارب سیاسی ثمر دار از اعمال نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی است. صدها بار و به اشکال گوناگون تجربه کرده‌اند و دیده‌اند که مردم و جوانان علیرغم فقدان سازمان‌یافتگی و تمرکزگرائی بایسته، در برابر نیروهای منسجم و سازمان‌یافته ارگان‌های مسلح به‌صف شدند و نظام را به چالش کشیده‌اند. نیز دهه‌هاست شاهدند که نمایش‌های سیاسی نظام همچون انتخابات بدرد جامعه و مردم نمی‌خورد و فقط و فقط جابجایی بالائی‌ها به‌قصد هدایت و گردش بهتر خواسته‌های سرمایه‌داران هست؛ می‌دانسته‌اند مردم تکلیفِ سیاسی خود را با همه دسته‌ها و جناح‌های رقیب حکومتی کشیده‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها را از آن خود نمی‌دانند؛ در حقیقت پیدایی نظر و رأی مردم را در شعار "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا" شنیده‌اند. بنابراین راه‌اندازی انتصاباتِ زیرپوشش انتخابات در نظام‌های سرمایه‌داری و آن‌هم در زمان‌های 4 ساله یا 5 ساله، صرفاً نمایش‌های سیاسیِ درون بالائی‌ها و دست‌به‌دست کردن دولت به‌منظور جلوگیری از بالا آمدن و پی آمد رادیکال اجتماعی علیه حاکمیت هست. به دیگر سخن هم جایگاه نظام انتخاباتی برای سردمداران رژیم مشخص است و هم مردم از تکرار جابجایی [بین بالائی‌ها] آشنا هستند و می‌دانند که در خدمت به رشد و بالندگی جامعه نیست و بعلاوه ربطی در به قدرت رسیدن و سمت‌وسو دادن دوره اقتصاد، به نفع آنان ندارد. همان حرفی که «پزشکیان» [بمانند دیگر «نخبه» های نظامِ سرمایه‌داری] قبل از انتصاب و با صراحت لهجه، در دستور کار خود قرار داده است. برای اینکه غرض حقیقی «پزشکیان» جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی نیست. این وظیفه جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ایِ با برنامه کمونیستی است. برای اینکه پیش‌شرط‌ها و ورود برگزیدگان طبقه سرمایه‌داری، اجرا برنامه‌های دیکته شده حاکمیت هست. پس همراه شدن با «انتخابات» نظام‌های سرمایه‌داری، به معنای همراهی با آن‌هاست و برخلاف ادعاهای «پزشکیان» مبنی بر اینکه «مثل همه مردم ایران از مشکلات آگاه است و این مشکلات را حل خواهد کرد»، بی‌معنی و فریب آمیز است. چراکه بستر، تعاطی و تعامل وی معین هست و دودلی نیست که نصیب مردم از دورانِ دولت‌مداری‌اش همانی خواهد بود که تابه‌حال دولت‌های قبل از وی در برابر مردم قراردادند؛ یعنی فقر بیشتر، غارت بیشترِ ثروت‌های جامعه و همچنین سرکوب پیچیده‌تر و به‌موازات آن‌ها ایجاد تنفر و انزجار بیش‌ازپیش مردم.

خلاصه فرآیندی به‌غیراز آنچه [تابه‌حال] نظام‌های سرمایه‌داری به‌زور و با نیرنگ به جامعه و مردم تحمیل کرده‌اند، نیازمند هست و بطوریقین، این به عهده نمایندگان سیاسیِ حقیقی و میدانی جنبش‌های اعتراضی و بخصوص هدایت گران طبقه کارگر است. تنها در چنین مناسبات، یعنی مناسبات مطابق با منافع طبقه کارگر و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی است که نظام انتخاباتیِ سالم و به‌دوراز ساخت‌وپاخت و انحراف قابل‌رؤیت خواهد بود.

7 آگوست 2024

17 شهریور 1403